صفات دوست ایمانی - 21 /دی/ 1389

شرح حدیثی از حضرت امام جعفرصادق علیه‌السلام توسط حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در ابتدای جلسه درس خارج فقهِ بیست و یکم دی‌ماه 89 (ششم صفر 1432).

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَ إِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مُحَافَظَةٍ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ»
شافی، صفحه‌ی 652

فی الکافی، عن الصّادق (علیه‌السّلام): «اختبروا اخوانکم بخصلتین». اخوان، منظور مطلق معاشرین، علی‌الظاهر نیست. یعنی آن کسانی که میخواهید به عنوان برادران خود و افرادی که با آنها صداقت دارید، افراد نزدیک، کسانی را که به این عنوان میخواهید انتخاب کنید، این دو صفت را در آنها حتماً ملاحظه کنید. «فان کانتا فیهم» ؛ اگر این دو صفت در آنها بود، چه بهتر ؛ «و الا فاعزب ثم اعزب ثم اعزب». عَزَبَ یعنی فاصله گرفتن، از آنها رو پوشاندن. [مثل] «لایعزب عنه مثقال ذرّة» (1) که در قرآن کریم هست. دوری کنید از آنها. از آنها رو بپوشانید و دوری کنید.

این دو صفت چیست؟ «محافظة علی الصّلوات فی مواقیتها». یکی این [که محافظ نماز باشند]. در مواقیت، لابد مراد مواقیت فضیلت است ؛ و الا مطلق مواقیت اگر مورد نظر باشد، ولو آخر وقت، اینکه خب، اگر کسی نکند این کار را، فاسق است. میخواهند بفرمایند که اهل نماز در وقت خود باشد، یعنی وقت فضیلت. مرحوم آقای بهجت (رضوان اللّه علیه) -[که] مکرر این را از ایشان ما شنیدیم، هم خودمان شنیدیم، هم بالواسطه دیگران هم نقل کردند- میگفتند استادشان - علی‌الظاهر مرحوم آقای قاضی مثلاً - به ایشان گفتند که اگر کسی نماز اول وقت را مراقبت بکند، من ضامنم برای نجات او، یا برای مثلاً رسیدن او به درجات بالا ؛ یک همچین تعبیری. بنده یک وقت از ایشان پرسیدم که لابد نماز خوب دیگر؟ گفتند: خب، بله ؛ نماز درست و حسابیِ با توجه، در اول وقت. اگر این را کسی مراعات بکند، این خودش یک عاملی است که انسان را عروج میدهد و به مراتب بالای توحیدی میرساند. یکی این.

«و البرّ فی الاخوان فی العسر و الیسر». صفت دوم هم یک صفت اجتماعی است. اوّلی صفت فردی بود، بینه و بین اللّه بود ؛ این دومی بینه و بین النّاس است. کسی باشد که صفتش این باشد، که به برادرانش نیکی میکند ؛ هم در عسر، هم در یسر. حالا این عسر و یسر، چه عسر و یسر خود انسان، ولو در عسر هم باشد، سختی هم باشد، بالاخره کمک میکند ؛ حالا تنگدستی دارد، مالی ندارد که کمک بکند، اما میتواند تسلا بدهد، با زبان کمک کند، با آبرو کمک کند ؛ هم ممکن است مراد عسر و یسر خود این کمک کننده باشد، هم عسر و یسر آن کمک شونده باشد ؛ چون بعضی‌ها هستند، به انسان حاضرند کمک کنند، وقتی که حال انسان خوب است ؛ وقتی اقبال به سمت کسی هست، حاضرند به او کمک کنند ؛ محبت میکنند، کمک میکنند ؛ به مجرد اینکه اقبال از او رو برگرداند، اینها هم رو برمیگردانند. بله، وقتی که اقبال از او ادبار کرد، اینها هم ادبار میکنند. نه، اینجور نباشد ؛ در همه‌ی حالاتِ برادرش به او کمک کند و نیکی کند.

1) سبأ: 3